

عشق ساحرانه

ماریان ویلیامسون

مترجم:

م. مودپور آزاد

انتشارات ذهن زیبا

عنوان و نام پدیدآور: عشق ساحرانه

نویسنده: ماریان ویلیامسون - ترجمه: محمود پورآزاد

مشخصات نشر: تهران: نشر ذهن زیبا، ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۱-۵۱-۲

وضعیت فهرست‌نویس: فیا

موضوع: عشق

رده‌بندی رکنقره: ۱۳۹۷ و ۵/ع ۵۷۵/ BF

رده‌بندی ردیرس: ۱۵۲/۴۱:

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۲۷۴۴۸

عشق ساحرانه

نویسنده: ماریان ویلیامسون

ترجمه: محمود پورآزاد

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

ناشر: ذهن زیبا

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

تهران - تهرانپارس - خیابان فرجام - خیابان سراج

کوچه شهید ذاکری - پلاک ۵۹

۷۷۷۱۹۸۲۸ - ۷۷۷۱۰۵۷۵

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۱.....	ریای افسونگر
۲۹.....	از طرف کتاب های مضایی و فرشتگان
۴۱.....	عشق مقدس
۶۳.....	به اشتراک گذاشتن ها ایا
۸۹.....	عشق و آتش
۱۰۵.....	آدم بزرگ های عاشق
۱۳۳.....	شکوه و بخشندگی
۱۵۹.....	مشارکت
۱۷۹.....	زدودن ارواح
۲۰۳.....	پیوندهای ناگستنی
۲۲۵.....	بدن ها و روح ها
۲۴۳.....	وقتی ظاهر تغییر می کند
۲۵۹.....	آوای معشوق

مقدمه

عشق واقعی بیش از آن که یک حالت باشد یک قلمرو از وجود است، قلمرویی که مثل و مانندی ندارد و در تمام فضای اطراف ما نفوذ کرده، اما به طرز عجیب نامرئی است. از آن قدرتی اسرارآمیز ساطع می‌شود که وقتی از سن خدای بزرگتر می‌شویم ما را فرا می‌خواند. چیزی در آن هست که ما بخاطر آن سال‌ها خواستار آن هستیم و قطعاً پاسخگوی یکی از بزرگترین نیازهای انسان است.

عشق واقعی پاسخگوی نیاز ما برای جراحی، برای یافتن معنا، برای پیدا کردن جادو و برای ارتباط عمیق روح با دیگری می‌باشد. این عشق پاسخگوی تمایلات معنوی و احساسی ماست. عشق برای یک انسان بالغ مانند قفسه اسباب بازی برای یک کودک است. با آن می‌شود چشمان ما از حدقه بیرون زده و مانند بچه‌ای که بابانوئل را می‌بیند بدیخش؛ عشق جادوست.

با این وجود عشق مانند قطاری است که نمی‌توان بدون بلیت سوار آن شد. برخی افراد این بلیت را دارند و برخی دیگر ندارند. برخی افراد تمایلات احساسی، روانشناختی و معنوی برای یک عشق واقعی را دارا

می‌باشند، در حالی که برخی دیگر از جریانات عمیق اقیانوسی آن گریزان هستند. بسیاری از افراد می‌گویند که شدیداً چنین چیزی را می‌خواهند، اما در عمل هر کاری می‌کنند تا از آن دور بمانند.

این کتاب در مورد قوانین صمیمیت نیست، این کتاب در مورد این نیست که چطور یک رابطه دراز مدت داشته باشیم. این کتاب صرفاً تفکرات یک انسان در مورد چیزی است که در عشق «دیده» است. این کتاب در مورد چیزهایی است که من به عنوان افسون یک رابطه عاشقانه‌ی عمیق درک کرده‌ام. پندار ارتباطی با کمیت ندارد و بیشتر یک امر کیفی است. چندان ارتباطی با جهان بیرون ندارد و بیشتر با قلمروی درون در ارتباط است. عاشق شدن مانند سفر کردن به یک سرزمین بسیار دور و جادویی است. این کتاب محدود به خاطرات من از سفرهایم نیست، بلکه من در این سفر خاص، که بلیتی دو طرفه دارم، می‌توانم مسئول قطار را متقاعد کنم که شما نیز به این قطار تعلق دارید و استعدادهای خود را دارید که شانس سوار شدن به این قطار به شما داده شود.

در اغلب مواقع، ما عاشق می‌شویم اما نمی‌توانیم در آن عشق باقی بمانیم. آن‌گاه همه دنیا آن را توهم یا شیفتگی می‌نامند. اما ما توهم نداشته‌ایم، ما صرفاً دچار شیفتگی نشده بودیم. شاید صرفاً ما یا طرف مقابل مهارت‌های احساسی برای حفظ کردن این جادو را نداشتیم. بعداً به خودمان خواهیم گفت که تحلیل کردن صرفاً یک دروغ جمعی است. ما این دروغ را به عنوان روشی برای مواجهه با ناامیدی ابداع کرده‌ایم، زیرا

در یک شب پر ستاره بر روی ماه قرار داشته‌ایم، ولی دوباره بر روی زمین عقیم و لم یزرع سقوط کرده‌ایم. عشقی اینچنین تفاوتی با یک توطئه اجتماعی ندارد. این عشق یک حالت آسایش دروغین را به پیروان خویش می‌دهد تا فکر کنند که ترس بنیادین در وجود ما بخشی از سلامت روان است. در حقیقت، ما می‌توانیم به ماه برویم و جادوی آن را برای یک عمر با خودمان حفظ کنیم. ما می‌توانیم در روح آن نفس کشیده و هرگز افول نداشته باشیم. ما می‌توانیم قدرت‌های افسون‌گر عاشقانه را با خود داشته باشیم و تمام زندگی را در سطحی متعالی تجربه کنیم. ما می‌توانیم وارث معجزاتی شویم و قلب جدیدی دریافت کنیم که برای همیشه با تالووم درخشان خواهد درخشید. ما که به ماه رفته‌ایم و آنچه در آن جا دیده‌ایم را با خود داریم، می‌توانیم با بلیتی بازگردیم که همیشه امکان برگشت به ماه را داشته باشیم.

ایده‌های قدیمی خود را فراموش کنید، دروغ‌هایی که به شما گفته‌اند را فراموش کنید. همه را فراموش کنید و آنگاه خواهید آورد قلمرویی از افسون عاشقانه وجود دارد که باعث می‌شود جهانی که در آن زندگی می‌کنیم دیگر چندان مهم و چندان واقعی به نظر نرسد. به این تیر و پاز باید دو به دو وارد شد. آنجا فقط محلی برای گذراندن تعطیلات نیست، بلکه در واقع خط مقدم معنویت ماست. در حقیقت، آنجا همان جایی بوده که ما باید زندگی می‌کردیم و در آن مکان، ما فقط زندگی نمی‌کنیم، ما برای ابد در آنجا حضور خواهیم داشت.